

به نام خداوند جان و خرد

# علم دستیابی به ثروت

نویسنده:

والنسی. دی. واتلز

مترجم:

مصطفی کرتولی نژاد



سرشناسه: واتلز، دبلیو. دی.، ۱۸۶۰-۱۹۱۱م.  
 Wattles, W. D., 1860-1911  
 عنوان و نام پدیدآور: علم دستیابی به ثروت/ نویسنده والنسی. دی. واتلز؛ مترجم مصطفی کرتولی نژاد.  
 مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۴۰۰.  
 مشخصات ظاهری: ۱۲۴ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.  
 شابک: ۳-۱۸۴-۲۸۴-۶۲۲-۹۷۸  
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
 یادداشت: عنوان اصلی: The science of getting rich  
 یادداشت: واژه‌نامه.  
 موضوع: موفقیت  
 موضوع: Success  
 موضوع: ثروت  
 موضوع: Wealth  
 شناسه افزوده: کرتولی نژاد، مصطفی، ۱۳۵۲- مترجم  
 شناسه افزوده: Kartoli Nejad, Mostafa  
 رده‌بندی کنگره: BJ ۱۶۱۱  
 رده‌بندی دیویی: ۶۵۰/۱  
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۱۳۱۴۴



## «علم دستیابی به ثروت»

- نویسنده: والنسی. دی. واتلز ● مترجم: مصطفی کرتولی نژاد
  - ناشر: انتشارات طاهریان ● نوبت چاپ: دوم ● سال چاپ: ۱۴۰۲ ● تیراژ: ۱۰۰ جلد
  - تایپ، صفحه‌بندی و طرح جلد: آرزو خسروپور ● قیمت: ۸۰/۰۰۰ تومان ● چاپ: شهر
  - شابک: ۳-۱۸۴-۲۸۴-۶۲۲-۹۷۸ ● شابک الکترونیک: ۰-۱۸۵-۲۸۴-۶۲۲-۹۷۸
- آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱  
 تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۴۹۲۷۳۳-۶۶۹۷۰۷۶۷ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ [www.Taherianpress.com](http://www.Taherianpress.com)
- با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۰۸۷-۷۰۰۰ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

## فهرست:

- فصل ۱: ثروتمند بودن حق ماست..... ۷
- فصل ۲: علم ثروتمند شدن واقعاً وجود دارد..... ۱۱
- فصل ۳: آیا فرصت‌ها انحصاری هستند؟..... ۱۷
- فصل ۴: اولین اصل در علم ثروتمند شدن..... ۲۳
- فصل ۵: زندگی فزاینده..... ۳۱
- فصل ۶: چگونه ثروت زیاد به سمت شما سرازیر شود؟..... ۳۹
- فصل ۷: قدرشناسی..... ۴۷
- فصل ۸: فکر کردن به یک روش خاص..... ۵۳
- فصل ۹: چگونه از نیروی خواست استفاده کنیم؟..... ۶۱
- فصل ۱۰: استفاده بیشتر از «خواست»..... ۶۹
- فصل ۱۱: عمل کردن به روشی خاص..... ۷۷
- فصل ۱۲: کار مفید و کارآمد..... ۸۵

فصل ۱۳: ورود به کسب و کار درست.....	۹۳
فصل ۱۴: تأثیر فزونی.....	۹۹
فصل ۱۵: انسان در مسیر پیشرفت.....	۱۰۵
فصل ۱۶: برخی هشدارها و نتیجه‌گیری مشاهدات.....	۱۱۱
فصل ۱۷: خلاصه علم دستیابی به ثروت.....	۱۱۹
واژه‌نامه.....	۱۲۳

## مقدمه

این کتابی عملگراست نه کتابی فلسفی، دست‌نوشته‌ای کاربردیست، نه مقاله‌ای در مورد نظریات. این کتاب برای مردان و زنانی نوشته شده که نیاز مبرم به پول دارند و می‌خواهند اول ثروتمند شوند و بعد دلایل منطقی برای آن بیابند. این کتاب برای کسانی است که تاکنون زمان، ابزار و فرصت آن را نداشته‌اند که در متافیزیک مطالعه عمیقی داشته باشند اما می‌خواهند از نتایج آن و نتایج علم به عنوان اساس و پایه اعمالشان استفاده کنند بدون اینکه وارد فرآیندهایی شوند که منجر به این نتیجه‌گیری‌ها شده است.

انتظار می‌رود خواننده این کتاب به عبارتهای اساسی آن، چنان ایمانی پیدا کند که به قوانین کارکردهای الکتریکی که مارکورنی یا ادیسون مطرح کردند ایمان آورده و با به کارگیری عباراتی که به آن ایمان آورده حقیقت آنها را بدون ترس و تردید اثبات کند. هر مرد یا زنی که این کار را انجام دهد یقیناً ثروتمند می‌شود، زیرا علم به کار رفته در اینجا علم دقیقی است و شکست در آن غیرممکن است. هرچند برای کسانی که می‌خواهند نظریات فلسفی را بررسی کنند و از اساس منطقی پشت نظریات اطمینان حاصل کنند برخی منابع و مأخذ را بیان خواهم کرد:

نظریهٔ یگانی جهان و اینکه خدای یکتا «همه‌چیز» است و اینکه «همه» «یکی» است؛ این نظریهٔ «جوهر» خود را در عناصر جهان مادی متجلی

می‌سازد ریشه در مذهب هندو دارد و به تدریج دویست سال است که در اذهان جهان غرب رخنه کرده است. این «واحد» پایه و اساس تمام فلسفه‌های مشرق‌زمین و همچنین دکارت، اسپینوزا لایبنیتز، شوپنهاور، هگل و امرسون است. به خواننده‌ای که در این نظریات اساسی فلسفی کنکاش می‌کند توصیه می‌کنم هگل و امرسون را مطالعه کند.

در نوشتن این کتاب من تمامی ملاحظات دیگر را قربانی سادگی، روانی و سلامت سبک کرده‌ام، به طوری که همه بتوانند آن را درک کنند.

طرح و نقشه کار در این کتاب از استدلال‌ات فلسفی اخذ شده و کاملاً آزمایش شده و در آزمایشات علمی نیز کاملاً امتحان شده است و مطمئن باشید جواب می‌دهد. اگر می‌خواهید مطمئن شوید چگونه به این نتایج دست یافته‌ایم دست‌نوشته‌های نویسندگان فوق‌الذکر را مطالعه کنید؛ و اگر می‌خواهید میوه‌های نظریات فلسفی آنها را در واقعیت بچینید، این کتاب را بخوانید و هرچه را به شما می‌گوید دقیقاً انجام دهید.

والنسی. دی. واتلز

## فصل ۱

### **ثروتمند بودن حق ماست**

با وجود تمام سخنانی که در مزایای فقرگفته می شود این حقیقت همچنان باقیست که یک زندگی واقعا کامل یا موفق بدون ثروتمند بودن ممکن نیست. هیچ کس نمی تواند بدون داشتن پول زیاد به عالی ترین حد ممکن رشد استعدادها و رشد روحی برسد، زیرا برای شکوفا شدن روح و برای رشد استعدادها انسان باید چیزهای زیادی در اختیار داشته باشد و این چیزها را نمی تواند داشته باشد مگر اینکه برای خرید آنها پول داشته باشد. انسان با استفاده از اشیاء، ذهن، روح و جسمش را پرورش می دهد، و جامعه طوری سازماندهی شده است که انسان برای مالکیت اشیاء باید پول داشته باشد، بنابراین پایه و اساس تمام پیشرفت ها برای انسان باید علم دستیابی به ثروت باشد. هدف هر زندگی ای رشد و توسعه است و هر آنچه که زیست می کند بی شک حق دارد بر تمام رشد و تکاملی که در توانش است دست پیدا کند. حق انسان بر زندگی به معنای حق استفاده آزادانه و نامحدود از تمام چیزهایی است که برای کاملترین شکوفایی ذهنی، روحی و جسمانی ممکن است به آنها

نیاز داشته باشد، یا به عبارت دیگر حق ثروتمند بودن. در این کتاب من نمی خواهم به نحو مجازی در مورد ثروت صحبت کنم، ثروتمند بودن واقعی بدین معنا نیست که به کم قانع یا خشنود باشیم. هیچ کس نباید به یک زندگی کم یا کوچک راضی باشد اگر قادر است بیشتر داشته باشد و از آن استفاده کند ولذت ببرد. هدف طبیعت پیشرفت و شکوفایی زندگی است و هر انسانی باید تمام چیزهایی را که می تواند برای نیرو، تعالی، زیبایی و ثروت زندگی از آن بهرمنند شود داشته باشد. به کم قانع شدن گناه است. کسی که تمام چیزهای مورد نیاز برای یک زندگی کامل در حد خودش را داشته باشد ثروتمند است، و کسی که پول زیادی نداشته باشد نمی تواند تمام چیزهایی را که می خواهد داشته باشد. زندگی امروزه پیشرفت کرده و طوری پیچیده شده که حتی معمولی ترین مرد یا زن به مبالغ زیادی از ثروت نیاز دارند تا طوری زندگی کنند که به کمال برسند. هر شخصی طبیعتاً می خواهد که به تمام کمالات ممکن خود دست یابد، میل برای به فعلیت رساندن توانایی های خدادی در ذات بشر نهفته است، ما نمی توانیم نخواهیم که به کمال ممکن خود برسیم. موفقیت در زندگی یعنی تبدیل شدن به فردی که می خواهیم بشویم، شما فقط با استفاده از اشیاء می توانید فردی شوید که «می خواهید»، و شما زمانی می توانید آزادانه از اشیاء استفاده کنید که به اندازه کافی ثروتمند باشید که بتوانید آنها را خریداری کنید. بنابراین درک علم دستیابی به ثروت از همه دانشها ضروری تر است. خواستن ثروت هیچ عیبی ندارد. میل به ثروت واقعاً میل به یک زندگی فراوانتر، کاملتر و ثروتمندتر است، و این میل قابل تقدیر است. و کسی که



تمایلی به زندگی با وفور نعمت ندارد غیر عادی است، همچنین کسی که نمی خواهد پول کافی برای خرید تمام چیزهای مورد نیازش داشته باشد غیرعادی است. ما به سه انگیزه زندگی می کنیم:

۱. ما برای بدنمان زندگی می کنیم.

۲. ما برای ذهنمان زندگی می کنیم.

۳. ما برای روحمان زندگی می کنیم.

هیچ کدام از این سه بعد بهتر یا مقدس تر از دیگری نیست، هر سه به یک میزان خواستنی هستند و هیچ یک از این سه تا: جسم، ذهن و روح نمی توانند زندگی کاملی داشته باشند اگر هر یک از آن دوتای دیگر از دسترسی به زندگی کامل و متجلی شدن محروم شوند. اینکه فقط برای روح زندگی کنیم و جسم و ذهن را انکار کنیم نه درست است و نه شرافتمندانه، همچنین این اشتباه است که فقط برای ذهن زندگی کنیم و جسم و روح را انکار کنیم. همه با نتایج منفور زندگی برای جسم و انکار ذهن و روح آشنا هستیم، و می بینیم که زندگی "واقعی" به معنای تجلی کامل تمام چیزهایی است که انسان به توسط جسم، روح و ذهن می تواند به آن کمالات دست یابد. هیچ کس واقعا نمی تواند در زندگی شاد یا خشنود باشد مگر اینکه بدنش، ذهنش، و روحش در کمال سلامت باشد. هرکجا امکان تجلی نیافته ای باشد، یا وظیفه و عملکرد انجام نشده ای باشد، در آنجا تمایل ارضا نشده ای وجود دارد. تمایل یا آرزو عبارتست از امکانی که در جستجوی تجلی یافتن است، یا وظیفه و عملکردی است که به دنبال اجرا شدن است. انسان بدون غذای خوب، لباس راحت، و سرپناه گرم و بدون رهایی از زحمت بیش از حد نمی تواند زندگی

جسمانی کاملی داشته باشد. استراحت و تفریح هم برای زندگی جسمانی وی لازم است. انسان نمی تواند زندگی ذهنی کاملی داشته باشد بدون کتاب و زمانی برای مطالعه ی آنها، بدون فرصت برای مسافرت و مشاهده یا بدون بدون مصاحبت و همفکری. برای زندگی کامل روحی انسان باید عاشق باشد، و فقر مانع عشق واقعی است. بالاترین سعادت یک انسان در سود رساندن به کسانی است که دوستشان داریم، طبیعی ترین و بی شائبه ترین تجلی عشق در "دادن" است. مردی که چیزی برای دادن ندارد نمی تواند جایگاه خود را به عنوان یک شوهر، یا پدر، یا به عنوان یک شهروند یا یک انسان پر کند. با استفاده از چیزهای مادی است که انسان زندگی کاملی برای جسمش می یابد، ذهنش را توسعه می دهد، و روحش را شکوفا می کند. بنابراین برایش اهمیت فوق العاده ای دارد که ثروتمند باشد. کاملاً درست است که شما باید میل به ثروتمند شدن داشته باشید، اگر شما یک مرد یا زن معمولی باشید "نمی توانید" چنین نباشید. کاملاً درست است که شما تمام تمرکزتان را بر "علم ثروتمند شدن" بگذارید زیرا این علم شریف ترین و ضروری ترین علوم است. اگر از مطالعه این علم غفلت کنید ترک وظیفه کرده اید نسبت به خودتان، خدای خودتان و بشریت؛ زیرا هیچ خدمتی به خلق و خدا از این بزرگ تر نیست که از خودتان کاملترین شخص را بسازید.

## فصل ۲

# علم ثروتمند شدن واقعاً وجود دارد

علمی به نام علم ثروتمند شدن وجود دارد، و علم دقیقی است، مانند جبر و ریاضیات. در فرایند کسب ثروت چندین قانون حاکم است؛ هرگاه کسی این قوانین را بیاموزد و اطاعت کند بی گمان ثروتمند خواهد شد با همان قطعیت فرمول‌های ریاضی. مالکیت پول و دارایی به صورت نتیجه انجام کارها به روشی خاص حاصل می‌شود؛ کسانی که کارها را آگاهانه یا ناخودآگاه به روشی خاص انجام می‌دهند ثروتمند می‌شوند در حالی که کسانی که کارها را به روشی خاص انجام نمی‌دهند هر قدر سخت‌کاری کنند یا هر اندازه توانا هم که باشند باز فقیر می‌مانند.

این یک قانون طبیعی است که «هر معلولی را علتی خاص به وجود می‌آورد»، و بنابراین هر مرد یا زنی که یاد می‌گیرد کارها را به روشی خاص انجام دهد قطعاً ثروتمند خواهد شد. درستی جملات بالا را با حقایقی که در زیر بیان می‌کنم نشان داده‌ام: ثروتمند شدن ربطی به محیط ندارد زیرا اگر اینگونه بود تمام مردمی که در ناحیه خاصی زندگی می‌کنند ثروتمند خواهند شد همه مردم یک شهر ثروتمند خواهند

بود در حالی که مردم شهر دیگر همه فقیر می ماندند یا ساکنان یک ایالت در ثروت غوطه ور خواهند بود در حالی که ساکنان ایالتی دیگر که چسبیده به آن ایالت است همگی فقیر می ماندند. اما ما همه جا اشخاص ثروتمندی را می بینیم که دیوار به دیوار افراد فقیر زندگی می کنند در همان محیط و غالباً حتی در یک زمینه شغلی. وقتی دو نفر در یک محل و در یک کسب و کار هستند و یکی ثروتمند می شود و دیگری فقیر می ماند این نشان می دهد که ثروتمند شدن اساساً یک موضوع مرتبط با محیط نیست. برخی محیط ها ممکن است مطلوب تر از جاهای دیگر باشند، اما وقتی دو نفر در یک کسب و کار در همسایگی هم هستند و یکی ثروتمند می شود و دیگری موفق نمی شود بیانگر این است که ثروتمند شدن نتیجه انجام دادن کارها به روشی خاص است. و علاوه بر این توانایی انجام کارها به روشی خاص فقط به دلیل داشتن استعداد نیست زیرا افرادی هستند که با داشتن استعداد زیاد باز هم فقیر می مانند در حالی که افرادی هستند که با کمی استعداد ثروتمند می شوند. با تحقیقی که روی افرادی که ثروتمند شده اند صورت گرفت دریافتیم که آنها از همه نظراسعدادی معمولی داشتند و هیچ استعداد و توانایی بیشتری از دیگران نداشتند. روشن است که ثروتمند شدن آنها به دلیل داشتن استعداد و توانایی که دیگر افراد ندارند نیست، بلکه بدین دلیل است که کارها را به روشی خاص انجام می دهند. ثروتمند شدن حاصل پس انداز کردن یا صرفه جویی نیست؛ خیلی از افراد خسیس فقیر هستند، در حالی که دست و دلبازها غالباً ثروتمند می شوند. ثروتمند شدن به خاطر این هم نیست که کارهایی را انجام دهیم که دیگران نمی

توانند انجام دهند زیرا دو نفر در یک کسب و کار مشابه تقریباً دقیقاً کارهای مشابه انجام می دهند ولی یکی ثروتمند می شود و دیگری فقیر می ماند و ورشکسته می شود. از تمام این چیزها ما به این نتیجه می رسیم که ثروتمند شدن در نتیجه انجام کارها به یک روش خاص حاصل می شود. اگر ثروتمند شدن در نتیجه انجام کارها به یک روش خاص حاصل می شود، و اگر علت های خاص معلول های خاصی ایجاد می کنند پس هر زن یا مردی که بتواند کارها را به آن روش انجام دهد می تواند ثروتمند شود و کل این موضوع پایش به قلمرو یک علم دقیق کشیده می شود. در اینجا سوالی مطرح می شود اینکه آیا این روش خاص آنقدر سخت نیست که فقط عده خیلی بتوانند آنرا انجام دهند. همانگونه که دیده ایم تا جایی که به توانایی های طبیعی مربوط است این نمی تواند درست باشد. افراد با استعداد ثروتمند می شوند، سیاهپوستان ثروتمند می شوند، افراد باهوش ثروتمند می شوند، افراد خیلی کم استعداد ثروتمند می شوند، افراد با توانایی جسمانی بالا ثروتمند می شوند، افراد ضعیف و بیمار هم ثروتمند می شوند. البته تا حدودی توانایی درک و تفکر ضروریست؛ اما تا آنجا که به توانایی طبیعی مربوط است هر زن یا مردی که بتواند بخواند و این کلمات را بفهمد یقیناً می تواند ثروتمند شود.

همچنین دیده ایم که ثروتمند شدن ارتباطی با محیط ندارد. محل تا حدودی مهم است؛ ما نمی توانیم به وسط بیابان های "صحارا" برویم و انتظار کسب و کار موفقی داشته باشیم. برای ثروتمند شدن سروکار داشتن با مردم و بودن در جایی که مردم هستند برای معامله با آنها

ضروریست و اگر این مردم تمایل داشته باشند به روشی که شما می خواهید با شما معامله کنند خیلی بهتر است . اما محیط تا همین اندازه موثر است. اگر کسی دیگر در شهر شما بتواند ثروتمند شود پس شما هم می توانید ؛ و اگر کسی در ایالت شما بتواند ثروتمند شود پس شما هم می توانید. همچنین ثروتمند شدن ربطی به انتخاب کسب و کار یا حرفه خاصی ندارد، مردم در هر حرفه یا کسب و کاری ثروتمند می شوند در حالی که همسایه دیوار به دیوارشان در همان حرفه در فقر باقی می ماند. درست است که در کسب و کاری که دوست دارید و فراخور سلیقه شماست بهتر عمل خواهید کرد و اگر استعداد های خاصی دارید که خوب رشد یافته اند در شغلی که مستلزم داشتن آن تمرین ها و توانایی هاست موفق تر عمل خواهید کرد. همچنین شما در کسب و کار مناسب محل شما بهتر عمل خواهید کرد، بطور مثال یک مغازه بستنی بندی در مناطق گرمسیر بهتر از مناطق سرسبز جواب می دهد و ماهی گیری سالمون در شمال غرب بهتر از فلوریدا جواب می دهد، زیرا در فلوریدا اصلا ماهی سالمون وجود ندارد.

اما از این محدودیت های کلی که بگذریم ثروتمند شدن ربطی به نوع شغل خاصی که به آن مشغول هستید ندارد بلکه به این بستگی دارد که شما یاد بگیرید کارها را به یک روش خاص انجام دهید. اگر شما در یک کسب و کار تازه کار هستید و کس دیگری در همان کسب شما در حال ثروتمند شدن است و شما وضعیتان بهتر نمی شود این بدین دلیل است که شما کارها را به " روش خاصی " که آن شخص دیگر انجام می دهد انجام نمی دهید.

فقدان سرمایه مانع ثروتمند شدن هیچ کس نمی شود. درست است که اگر سرمایه داشته باشید افزایش آن سرمایه آسانتر و سریعتر است اما کسی که سرمایه دارد از قبل ثروتمند است و نیازی به بررسی اینکه چگونه اینطور شود ندارد. مهم نیست که شما چقدر فقیر هستید، اگر شروع کنید به انجام کارها به "یک روش خاص"، شروع می کنید به ثروتمند شدن و شروع می کنید به داشتن سرمایه. به دست آوردن سرمایه بخشی از فرایند ثروتمند شدن است؛ ثروتمند شدن نیز قطعاً نتیجه انجام کارها به یک روش خاص است. شاید شما فقیرترین فرد منطقه خود باشید و عمیقاً در قرض فرورفته باشید؛ ممکن است نه دوستی داشته باشید نه اعتباری و نه اندوخته ای؛ اما اگر شروع کنید به انجام کارها به این روش خاص، قطعاً شروع می کنید به ثروتمند شدن، زیرا علل خاص سبب پیدایش معلول های خاص می شوند. اگر شما هیچ سرمایه ای ندارید می توانید سرمایه بدست آورید، اگر در کسب و کار اشتباهی باشید می توانید به کسب و کار درست بروید و اگر در محل نا درست باشید می توانید به محل درست بروید و این کار را با "شروع در کسب و کار فعلی خود و در محل فعلی خود" می توانید انجام دهید، انجام کارها به یک روش خاص موجب موفقیت می شود.